

غزل شماره ۳۴۸

دیده دریاکنم و صبر به صحرا کلنم

واندر این کار دل خویش به دریا کلنم

از دل تنگ کنه کار بر آرم آهی

کاش اندر کینه آدم و حوا کلنم

مایه خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست

میکنم جهد که خود را مگر آنجا کلنم

بکشاید قبا ای مه خورشید کلاه

تا چو زلفت سر سودازده دریا فکنم

خورده ام تیر فلک، باده بده تا سرمست

عقده در بند کمر ترکش جوزا فکنم

جرعه جام بر این تخت روان افشانم
غلغل چنگ در این کنبه مینا فکنم

حافظانکبه بر ایام چو سهواست و خطا

من چرا عشرت امروز به فردا فکنم

تفسیر فال

دل به دریا زده‌اید و با شجاعت تمام، آماده‌اید تا برای جبران کارهای گذشته خود، هر اقدامی را که لازم باشد انجام دهید. این تصمیم نشان‌دهنده‌ی عزم راسخ شماست که برآمده از احساس مسئولیت و تمایل به تغییر است. زمانی که بتوانید همه امور را در مسیر درست قرار دهید و نظم و سامان بخشی به آن‌ها ببخشید، وجدان‌تان از آرامش برخوردار خواهد شد. مشکلات زندگی، همچون سختی‌های سنگین، موجب شده‌اند که سرتان به سنگ بخورد و درس‌هایی طاقت‌فرسا اما آموزنده بیاموزید. اکنون وقت آن رسیده است که با یک گام جسورانه دست به کار شوید؛ اقدامی اتخاذ کنید که نه تنها شما را در رسیدن به مقصود یاری کند بلکه باعث شگفتی دیگران گردد و آنان را در حیرت فرو برد. حالا دیگر می‌توانید خوب و بد را با وضوح بیشتری تشخیص دهید، زیرا تجربیات سخت گذشته شما را در این مسیر یاری می‌دهد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)